

حمایت از کارکنان پزشکی در مخاصمات مسلحانه از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه و فقه امامیه

نویسنده

• مهدی فیروزی

چکیده

یکی از اصول مهم و بنیادین حقوق بشردوستانه بین‌المللی و آموزه‌های اسلامی، به ویژه فقه امامیه، اصل تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه است که بر اساس آن، هدف قرار دادن غیرنظامیان ممنوع گردیده است. یکی از گروه‌هایی که با هدف کمک به مجروحان و بیماران در مخاصمات مسلحانه حضور می‌یابند، کارکنان پزشکی هستند. سؤالی که این مقاله در پی پاسخ به آن است، این است که قواعد و مقررات حقوق بشردوستانه و فقه امامیه، از کارکنان پزشکی برای انجام وظایفشان در برابر اقدامات متخصصان در مناقشات مسلحانه، چه حمایتی می‌کنند و مبنای این حمایت چیست؟ فرضیه مقاله بر آن است که قواعد حقوق بشردوستانه و فقه امامیه از کارکنان پزشکی برای انجام وظایفشان حمایت می‌کنند و مبنای این حمایت، اصول و قواعد فقهی و حقوقی همچون «اصل تفکیک» و «قاعده نفی اعتدا» می‌باشد. برای پاسخ به سؤال فوق و اثبات فرضیه، این مقاله در دو گفتار تنظیم شده است. در گفتار اول، به تحلیل مفاهیم مرتبط و اهمیت و تاریخچه بحث پرداخته خواهد شد. در گفتار دوم، مبنای فقهی و حقوقی حمایت از کارکنان پزشکی بررسی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: حقوق بشردوستانه، فقه امامیه، مخاصمات مسلحانه، کارکنان پزشکی، اصل تفکیک، قاعده نفی اعتدا.

مقدمه

هرچند بر اساس قواعد بین‌المللی، توسل به زور برای حل و فصل اختلافات ممنوع است، متأسفانه توسل به زور و بروز جنگ، واقعیتی انکارناپذیر است که همیشه با ایراد خسارات جانی و مالی فراوان همراه است. به همین دلیل، در طول تاریخ، کوشش‌های فراوانی به عمل آمده تا اگر نمی‌توان از وقوع جنگ جلوگیری کرد، دست کم با وضع قواعد و مقرراتی، از آثار و پیامدهای ناگوار آن کاسته شود و اقدامات غیرانسانی در جنگ‌ها محدود گردد. پیدایش حقوق بشردوستانه به عنوان بخشی از حقوق جنگ و حقوق مخاصمات مسلحانه - که هدف آن تخفیف آلام و درد و رنج ناشی از مخاصمات مسلحانه است - با همین هدف صورت گرفته است.

مهمترین قواعد حقوق بشردوستانه که به منظور «انسانی کردن» مخاصمات مسلحانه تدوین شده، اغلب در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مصوب 1949 و همچنین دو پروتکل الحاقی 1977، تبلور یافته است. کنوانسیون اول ژنو، برای بهبود وضعیت بیماران نیروهای مسلح در صحنه نبرد، کنوانسیون دوم ژنو برای بهبود وضعیت مجروحان و اعضای کشتی شکسته نیروهای مسلح دریایی، کنوانسیون سوم ژنو در خصوص نحوه رفتار با اسرای جنگ، و در نهایت کنوانسیون چهارم ژنو برای حمایت از افراد غیرنظامی در زمان جنگ است. پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو در خصوص حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی است و پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو به حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی مربوط است.

یکی از گروه‌هایی که در این اسناد، حمایت خاصی از آن‌ها شده، کارکنان پزشکی هستند. حمایت خاص و ویژه اسناد بین‌المللی از این گروه، بدان دلیل است که این افراد در مخاصمات مسلحانه به حمایت و کمک گروه دیگری از افراد که مجروحان و بیماران هستند، اقدام می‌نمایند؛ بنابراین از این جهت، حمایت از کارکنان پزشکی اهمیت مضاعف پیدا می‌کند.

تهیه و تصویب این اسناد حمایتی را - که به کاهش درد و رنج اشخاص مورد حمایت، به ویژه مجروحان و بیماران و به تبع آن کارکنان پزشکی منجر می‌گردد - باید موفقیتی بزرگ برای بشر معاصر دانست.

ملاحظه و دقت در مفاد این اسناد، این نکته را متوجه انسان می‌کند که قواعد تدوین شده به عنوان حقوق بشردوستانه، ریشه در تعالیم انبیای الهی به ویژه آموزه‌های آخرین پیامبر الهی، حضرت محمد(ص) دارد. 1 رفتارهای که پیامبر اسلام(ص) و پس از ایشان، برخی از امامان معصوم(ع)، به ویژه امیرالمؤمنین(ع)، با اشخاص درگیر در مخاصمات مسلحانه در چهارده قرن پیش داشته‌اند و گزارش آن در منابع تاریخی، روایی و فقهی آمده، گواه این مسأله است. وجود قواعد حقوق بشردوستانه در آموزه‌های اسلامی، به ویژه در آیات و روایات و نیز مباحث فراوان فقهی که در طول قرن‌ها توسط دانشمندان و فقهای بزرگ مسلمان و به ویژه فقهای امامیه در قالب «فقه الجهاد» و «کتاب

الجهاد»، در زمره احکام و قواعد امره دینی بیان شده، می‌تواند به انسانی‌تر کردن هر چه بیش‌تر مخاصمات مسلحانه کمک نماید. در این میان، وجود و بروز مسائل جدید و نوپیدا در این عرصه، در کنار اجتهاد مستمر فقهای بزرگ، باعث توسعه و تکامل قواعد حقوق بشردوستانه اسلامی، متناسب با نیازها و مقتضیات زمان شده است؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت، هر زمان مسأله جدیدی در مباحث حقوقی، از جمله حقوق بشردوستانه پدید آمده، فقه پویا و بالنده امامیه توانسته است با توجه به قواعد کلی و اساسی دین و ضمن حفظ اصول بنیادین خود، پاسخی در خور و به روز ارائه دهد.

در موضوع مورد بحث (حمایت از کارکنان پزشکی در مخاصمات مسلحانه) با عنوان خاص کارکنان پزشکی، بحثی در آموزه‌های اسلامی وجود ندارد. شاید دلیل این امر، وضعیت متفاوت جنگ‌های صدر اسلام با مخاصمات مسلحانه امروزی باشد. اما با این حال، برخی از گروه‌های غیررزمنده همچون زنان، کودکان، پیران و... به صراحت در آموزه‌های اسلامی و کلمات فقها، حمایت شده‌اند که در مورد کارکنان پزشکی نیز، با استفاده از آیات و روایات و قواعد فقهی، می‌توان حمایت از آنان را اثبات نمود.

ذکر این نکته ضروری است که این مقاله بر مفروضاتی استوار است؛ از جمله این‌که ملاک و معیار جنگ و جهاد با کافران، کفر آنان نیست، بلکه محارب بودن آنان است؛ بنابراین، مسلمانان نباید با کفاری که سر جنگ و ستیز با مسلمانان ندارند، رفتاری خصمانه داشته باشند. دیگر این‌که، عموم ادله جنگ و جهاد با کفار، به این ملاک و معیار مقید شده‌اند.

با توجه به مطالب بالا و نظر به اهمیت جایگاه و نقشی که کارکنان پزشکی می‌توانند در تحقق اهداف حقوق بشردوستانه و تحفیف آلام و درد و رنج ناشی از مخاصمات مسلحانه بر عهده داشته باشند، این مقاله به نحوه و محدوده حمایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه و فقه امامیه از این گروه، به منظور انجام بهتر وظایفشان، خواهد پرداخت؛ بنابراین، حمایت از کارکنان پزشکی در مخاصمات مسلحانه، از دو منظر حقوقی و فقهی مورد بحث قرار می‌گیرد. در بخش حقوقی، تلاش می‌شود با استناد به برخی اسناد بین‌المللی و نیز اصول حاکم بر حقوق بشردوستانه، این مسأله بررسی شود. در بخش فقهی، ابتدا به اثبات مبانی و قواعد فقهی حمایت از غیر نظامیان و غیررزمندگان در مخاصمات مسلحانه خواهیم پرداخت و در نهایت، چگونگی تطبیق این قواعد بر کارکنان پزشکی بیان خواهد شد. لازم به یادآوری است که این مقاله در صدد بررسی دیدگاه اولی فقهی در این موضوع است و این‌که این حمایت را بتوان با اختیارات حاکم اسلامی و مصالح زمان و مکان برقرار کرد، بحث دیگری است که از حوزه این مقاله، خارج است.

گفتار اول: تحلیل مفاهیم و اهمیت تاریخی

در این گفتار در دو بند، مباحثی را درباره تحلیل مفاهیم مورد استفاده در مقاله، انواع و مصادیق کارکنان پزشکی و در نهایت بحثی در اهمیت و تاریخچه حمایت از کارکنان پزشکی در مخاصمات مسلحانه بیان خواهیم کرد.

بند اول: مفهوم‌شناسی

الف) کارکنان پزشکی

1. مفهوم کارکنان پزشکی

در حقوق بشردوستانه بین‌المللی، اصطلاح «کارکنان پزشکی» به افرادی اطلاق می‌شود که توسط یکی از طرف‌های درگیر در مخاصمات مسلحانه، منحصرأ مأمور جستجو برای جمع‌آوری و حمل و نقل، تشخیص یا درمان، از جمله کمک‌های اولیه به مجروحان، بیماران، سرنشینان کشتی‌های غرق‌شده و پیشگیری از بیماری و خدمت در بخش مدیریت واحدهای پزشکی یا مدیریت حمل و نقل پزشکی می‌باشند. 2. این مأموریت‌ها ممکن است، دائمی یا موقت باشد.

3. در منابع فقهی هرچند به حضور برخی از زنان در بعضی جنگ‌ها برای مداوای مجروحان اشاره شده، تعریف خاصی از کارکنان پزشکی وجود ندارد.

2. انواع کارکنان پزشکی

همان‌طور که بیان شد، از منظر حقوق بشردوستانه بین‌المللی، کارکنان پزشکی افرادی هستند که منحصرأ اقدام به انجام امور پزشکی می‌کنند. این افراد به دو دسته «نظامی» و «غیرنظامی» تقسیم می‌شوند:

4. اصطلاح «کارکنان پزشکی نظامی» به آن دسته از کارکنان پزشکی اشاره دارد که عضو نیروهای مسلح هستند و اصطلاح «کارکنان پزشکی غیرنظامی»، به آن دسته از کارکنان پزشکی دلالت می‌کند که عضو نیروهای مسلح نیستند اما از جانب یکی از طرف‌های درگیری، منحصرأ برای انجام امور پزشکی مأموریت دارند.

35. مصادیق کارکنان پزشکی

بر اساس کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن، مصادیق کارکنان پزشکی را می‌توان به شرح ذیل بیان کرد:

الف - کارکنان پزشکی دائمی؛ نظیر اشخاص منحصرأ درگیر در مراقبت یا جمع‌آوری و حمل و نقل مجروحان، بیماران و کشتی‌شکسته‌ها و درگیر در درمان و پیشگیری از بیماری؛ نظیر پزشکان، پرستاران و غیره و نیز کارکنان بیمارستان کشتی‌های بیمارستانی؛

6ب - کارکنان پشتیبانی پزشکی؛ مانند کارکنان اداری واحدها و تأسیسات پزشکی همچون مدیران، منشی‌ها، کارکنان بسته‌بندی و غیره؛

7ج - کارکنان پزشکی جمعیت‌های امدادی خدمات پزشکی؛

8د - کارکنان پزشکی تعیین شده برای سازمان‌های دفاع غیرنظامی طرف‌های مخاصمه؛ 9و

ه - کارکنان پزشکی موقت؛ 10 شامل افراد حاضر در خدمات پزشکی که به طور کافی آموزش دیده باشند. 11

نکته قابل ذکر دیگر، این است که بر اساس تعریفی که در اسناد بین‌المللی از کارکنان پزشکی ارائه شد، این دسته از افراد می‌توانند نظامی و عضو نیروهای مسلح باشند. از این رو، سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا کارکنان پزشکی نظامی و عضو نیروهای مسلح،

«رزمنده» محسوب می‌شوند یا خیر؟ پاسخ به این سؤال از آن جهت دارای اهمیت است که حمایت خاص از کارکنان پزشکی، منوط بر این است که این افراد، رزمنده محسوب نشوند. به عبارت دیگر، عنصر اساسی در حمایت از کارکنان پزشکی، غیررزمنده بودن آنان است. تفصیل این مسأله در قسمت بعد خواهد آمد.

ب) نیروهای مسلح، رزمنده و غیررزمنده

قواعد حقوق بین‌الملل و آموزه‌های اسلامی درباره افرادی که در مخاصمات مسلحانه شرکت می‌کنند، بین رزمندگان و غیررزمندگان تفاوت قائل می‌شوند و در هر صورت (در صورت تعلق هر فرد به هر دسته‌ای) آثار حقوقی خاصی در پی دارد. برای شناخت وضعیت حقوقی افرادی که در مخاصمات مسلحانه حضور دارند، لازم است به مفاهیم نیروهای مسلح، رزمنده و غیررزمنده اشاره‌ای شود تا وضعیت کارکنان پزشکی، اعم از نظامی و غیرنظامی، مشخص گردد.

1. نیروهای مسلح

بر اساس تعریفی که پروتکل الحاقی اول 12 از نیروهای مسلح ارائه کرده است، این نیروها شامل نیروهای مسلح سازمان‌یافته، گروه‌ها و واحدهای سازمان‌یافته یک طرف مخاصمه می‌شود که اعضای آن:

الف - تحت نظر فرماندهی هستند که در قبال یک طرف مخاصمه، به دلیل رفتار زیردستانش مسؤلیت دارد (حتی اگر نماینده آن طرف، حکومت یا مقامی باشد که از سوی طرف دیگر مخاصمه به رسمیت شناخته نشده باشد)؛

ب - تابع یک نظم داخلی باشند که آنان را به رعایت حقوق مخاصمات مسلحانه موظف می‌نمایند؛ و

ج - هنگامی که در عملیات نظامی به کار گرفته می‌شوند، لباس متحدالشکل بپوشند یا به نحو دیگری خود را از افراد غیرنظامی متمایز نمایند. 13

بنا بر تعریفی که از نیروهای مسلح ارائه شد، این تعریف را می‌توان بر اصطلاح «نظامیان» نیز منطبق دانست؛ بنابراین، «غیرنظامیان» اشخاصی هستند که عضو نیروهای مسلح نیستند. 14 مستند این مسأله و توضیح بیش‌تر در این باره، ذیل مفهوم رزمنده بیان خواهد شد.

2. رزمنده و غیررزمنده

در حقوق بشردوستانه بین‌المللی، بر اساس آنچه که از بند 2 ماده 43 پروتکل الحاقی اول استفاده می‌شود، عنوان رزمنده به همه افرادی اطلاق می‌گردد که ممکن است در مخاصمات مسلحانه، شرکت مستقیم داشته باشند؛ بنابراین، تمامی اعضای نیروهای مسلح که «شرکت مستقیم» 15 در درگیری‌ها دارند و می‌جنگند، رزمنده محسوب می‌شوند. 16

با توجه به آنچه در تعریف «رزمنده» بیان شد، معنای «غیررزمنده» هم به دست می‌آید؛ بدین ترتیب که غیررزمندگان، افرادی هستند که با عضو نیروهای مسلح هستند ولی در درگیری‌ها شرکت مستقیم ندارند و یا اصولاً عضو نیروهای مسلح نیستند. بنابراین، به جز رزمندگان، سایر اعضای نیروهای مسلح، غیررزمنده محسوب می‌شوند و همچنین افرادی که عضو نیروهای مسلح نیستند، اصولاً نظامی به حساب نمی‌آیند. 17

با این حال، بر اساس قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی، از جمله بند 2 ماده 43 پروتکل الحاقی اول، کارکنان پزشکی، اعم از نظامی و غیرنظامی، از دسته رزمندگان، مستثنا شده‌اند و غیررزمنده محسوب می‌شوند. 18

نکته دیگری که در این‌جا باید به آن اشاره کرد، این است که افرادی که بدون عضویت در نیروهای مسلح، این نیروها را همراهی می‌کنند (مثلاً خبرنگاران جنگی) هم، غیرنظامی محسوب می‌شوند.

19 در آموزه‌های اسلامی و فقه امامیه، از رزمنده با عنوان «مقاتل» یاد شده است؛ البته در روایات و نصوص دینی، تعریفی از مقاتل مشاهده نشد اما از آنچه که برخی لغویان در این باره بیان کرده و نیز مباحثی که مفسران ذیل آیه 190 سوره بقره 20 ارائه نموده‌اند و همچنین فقها در کتاب الجهاد بیان کرده‌اند، می‌توان تعریف مقاتل را بیان کرد.

برخی از علمای لغت، مقاتله (به فتح التاء) را به معنی قتال دانسته‌اند 21 و قتال را به «محاربه» و «محاربه بین اثنتین»، تعریف کرده‌اند 22 اما مقاتله (به کسر التاء) را جمع «مقاتل» دانسته و آن را به «الذین یاخذون فی القتال» 23 کسانی که شروع در قتال می‌کنند و «الذین یلون القتال» 24 کسانی که نزدیک قتال می‌شوند و «القوم الذین یصلحون للقتال» 25 کسانی که صلاحیت قتال دارند، معنا کرده‌اند و برخی دیگر برای «مقاتل» معنای «من یصلح للقتال او یباشره» 26 را بیان کرده‌اند.

برخی از مفسران امامیه نیز در تعریف قتال و مقاتله، ذیل آیه 190 سوره بقره گفته‌اند: «القتال و المقاتلة محاولة الرجل قتل من یحاول قتله»، 27 قتال و مقاتله عبارت است از قصد شخص برای کشتن کسی که قصد کشتن او را دارد. برخی دیگر از مفسران نیز مقاتله (به فتح التاء) را به معنی جنگ و جدال برای کشتن دیگری بیان کرده‌اند. 28

مجموع آنچه که از کلام لغویان و مفسران استفاده می‌شود، این است که مقاتل به کسی گفته می‌شود که هم صلاحیت و اهلیت قتال داشته باشد و هم در مقام مقاتله و قصد قتال باشد. بنابراین، افرادی که یا توانایی و اهلیت قتال را ندارند مانند زنان و کودکان و پیران، و یا توانایی و اهلیت قتال را دارند اما در مقام و قصد مقاتله نیستند، مانند عابدان و راهبان در عبادتگاه‌ها، مقاتل محسوب نمی‌شوند.

در تبیین این تعریف، ذکر چند نکته لازم است: اولاً: مقاتله از افعال مشارکت است، یعنی برای تحقق مقاتله دو طرف لازم است؛ از این رو مقاتله در موردی که دشمن با مسلمانان سر

جنگ ندارد، اصولاً محقق نمی‌شود. ثانیاً: «توانایی بر قتال»، صرفاً «توانایی جسمی یا فیزیکی» نیست مانند آنچه که برخی ذکر کرده‌اند، 29 بلکه شامل «توانایی فکری» هم می‌شود؛ بنابراین افرادی که توانایی فیزیکی جنگیدن را نداشته، اما با ارائه برنامه و طرح‌های نظامی و نقشه‌های جنگی با دشمن همکاری می‌کنند، مشمول تعریف مقاتل می‌شوند؛ زیرا همان گونه که از کلام غالب فقها 30 استفاده می‌شود، پیرانی که با ارائه طرح‌ها و نقشه‌های جنگی، در صدد مقاتله برآمده‌اند، هر چند توانایی فیزیکی قتال نداشته باشند، در حکم مقاتل هستند و در نتیجه، جنگ و قتال با آنان مجاز است. 31

بنابراین، افرادی که اقدام به «مباشرت» یا «معاونت» در قتال نمایند، «مقاتل» خواهند بود اما افرادی که در جنگ و عملیات نظامی مشارکت ندارند به طوری که نه مباشر در قتال باشند و نه معاون، «غیرمقاتل» محسوب می‌شود.

ثالثاً: برخی بر این عقیده‌اند که از نظر اسلام، اگر کسی قادر به جنگ باشد، چه در جنگ شرکت داشته باشد و چه شرکت نداشته باشد، رزمنده محسوب می‌شود؛ 32 اما برخلاف این دیدگاه، صرف توانایی کسی بر قتال، در حالی که در جنگ حضور ندارد، باعث نمی‌شود که وی مقاتل محسوب شود؛ حتی صرف حضور فردی در میدان جنگ، باعث نمی‌شود این فرد مقاتل محسوب شود، مگر این‌که در مقام و قصد مقاتله هم باشد، 33 در این صورت، هر چند عملاً اقدام به مقاتله هم نکرده باشد، مقاتل محسوب خواهد شد. شاهد بر این مطلب، کلمات فقها در باب غنیمت است که معتقدند فاضل غنیمت، سهم مقاتل است؛ از این رو، این غنیمت صرفاً به کسانی می‌رسد که یا جنگیده باشند یا

به نیت جنگ حاضر شده، هر چند نچنگیده باشند؛ 34 بنابر این، کسانی که در جنگ حاضر شده اما نه برای جنگیدن، غیرمقاتل محسوب می‌شوند؛ 35 بنابر این شهید ثانی معتقد است اگر کسی برای صنعتی یا حرفه‌ای در میدان جنگ حاضر شده و نه برای قتال، مانند دامپزشک و نعل‌بند، خوار و بار فروش، تیماردار و ستوردار و همچنین نگهبان، غیرمقاتل است و سهم خاص مقاتلین به او نمی‌رسد 36 و به طریق اولی، کسی که اصلاً در جنگ حاضر نشده، هر چند توانایی بر قتال هم داشته، مقاتل به شمار نمی‌آید.

البته شاید دیدگاه فوق دو دلیل داشته باشد، اولاً: بیان نظر برخی دیگر از دانشمندان مسلمان باشد؛ زیرا عبارتی با این مضمون در تعریف مقاتل از سرخسی نقل شده که «المقاتل من له بنیة للقتال»؛ 37 رزمنده کسی است که توانایی جنگیدن داشته باشد. ثانیاً: در جنگ‌های قدیم، شرکت در جنگ وظیفه همه مردان بوده است و معمولاً «همه» مردان قبیله به جنگ می‌رفته‌اند و همه می‌جنگیده‌اند و فقط زنان و کودکان و ناتوانان، از جنگیدن معاف بوده‌اند؛ بنابر این عنوان نظامی و رزمنده، بر همه مردان اطلاق می‌شد و غیررزمندگان، فقط شامل زنان، کودکان و برخی افراد خاص دیگر می‌شد؛ مانند از کارافتادگان و کلاً کسانی که قابلیت جنگ نداشتند. بنابر این، در این‌که چه کسانی رزمنده یا غیررزمنده محسوب شوند، تصمیم‌ها و سیاست‌های دفاعی، مؤثر و تعیین‌کننده است؛ مثلاً اگر کشوری بسیج عمومی اعلام کند و تمام مردان خود را مسلح نموده، به جنگ بفرستد - مانند آنچه در صدر اسلام عمل می‌شد - همه آنان رزمنده محسوب می‌شوند. اما اگر صرفاً گروهی خاص، برای این کار اقدام کنند، فقط همان عده رزمنده خواهند بود و دیگران، اگرچه مرد باشند و توانایی جنگیدن داشته باشند، غیررزمنده محسوب خواهند شد. از سوی دیگر، امروزه در برخی کشورها، زنان به استخدام نیروهای مسلح در آمده و به عنوان یک نظامی دوشادوش مردان، و حتی در عالی‌ترین رده‌های فرماندهی، به انجام وظایف و مأموریت‌های خاص نظامی مشغول هستند که در این صورت این‌گونه زنان قطعاً رزمنده و مقاتل محسوب می‌شوند؛ در حالی که در صدر اسلام و دیگر جنگ‌های قدیم، از زنان به عنوان رزمنده استفاده نمی‌شد. از این رو می‌توان گفت قاعده کلی در رزمنده یا غیررزمنده بودن افراد، به مقاتل یا مقاتل نبودن آنان بستگی دارد. بنابر این، کسانی که اصولاً در جنگ شرکت ندارند و یا در جنگ شرکت دارند اما نقش فعالی در جنگ و به کارگیری سلاح ندارند، غیرنظامی و غیررزمنده محسوب می‌شوند و فرقی نمی‌کند که از مردان یا زنان باشند.

با توجه به آنچه در تعریف رزمنده و مقاتل بیان شد، می‌توان گفت چون هدف و ماهیت خدمات پزشکی و فعالیت کارکنان پزشکی، غیرنظامی است و در عملیات نظامی و اقدامات خصمانه و به کارگیری سلاح، مشارکت ندارند و هدفی انسانی و غیرنظامی را پی می‌گیرند، غیرمقاتل محسوب می‌شوند؛ بنابر این قتال با آنان جایز نیست، مگر این‌که مستقیماً اقدام به جنگ نمایند یا کاری انجام دهند که به نوعی معاونت در قتال محسوب گردد.

البته ممکن است در بخشی از خدماتی که کارکنان پزشکی در مخاصمات مسلحانه ارائه می‌کنند، این بحث مطرح شود که کار آنان معاونت در قتال باشد؛ مانند این‌که کارکنان پزشکی، برخی مجروحان را درمان کرده، مجدداً به میدان نبرد اعزام کنند که در این صورت، ممکن است این کار به تقویت بنیه نظامی دشمن منجر شود و معاونت در قتال محسوب گردد. از کلمات برخی فقها نیز همین حکم برداشت می‌شود؛ هر چند برخی از فقهای اهل سنت معتقدند که در زمان حاضر، با این دسته از کارکنان پزشکی باید با تسامح برخورد کرد و آنان نباید کشته شوند، بلکه باید آنان را اسیر کرد تا جنگ تمام شود؛ زیرا کار آنان ماهیتی انسانی دارد. 38

با توجه به آنچه گفته شد، به غیر از مواردی که ممکن است خدمات کارکنان پزشکی معاونت محسوب شود، در سایر موارد، فعالیت آنان غیرنظامی است؛ مانند اقدام به مداوای مجروحانی که به خارج از جبهه منتقل می‌شوند یا فعالیت جمعیت‌های امدادی و پزشکی بی‌طرف مانند صلیب سرخ، هلال احمر، پزشکان بدون مرز و... که کار آنان مشارکت در جنگ و عملیات نظامی محسوب نمی‌شود. از این رو، این دسته از کارکنان پزشکی که با هدف کمک به مجروحان و بیماران در مخاصمات مسلحانه شرکت می‌کنند، چون در مخاصمه و عملیات نظامی مشارکت مستقیم ندارند و کارشان نیز به تقویت بنیه نظامی دشمن نمی‌انجامد، غیررزمنده و غیرمقاتل محسوب می‌شوند. نکته پایانی قابل ذکر این که ملاک و معیار تشخیص معاونت یا عدم معاونت کارکنان پزشکی در قتال، عرف است؛ و در مواردی که تشخیص آن مشکل باشد، با توجه به هدف و ماهیت انسانی و غیرنظامی خدمات پزشکی، اصل بر عدم معاونت در قتال خواهد بود.

بند دوم: اهمیت و تاریخچه حمایت از کارکنان پزشکی در مخاصمات مسلحانه تا جایی که تاریخ به یاد دارد، در بیشتر زمان‌ها، سایه شوم جنگ بر کره خاکی گسترده بوده است؛ به گونه‌ای که بر اساس برخی از تحقیقات، بشر فقط 250 سال را در صلح و آرامش زندگی کرده است؛ جنگ‌هایی که قربانیان فراوانی داشته و اکثریت قربانیان آن را غیرنظامیان و غیررزمندگان تشکیل می‌دهد است. این مسأله باعث شد افرادی تلاش کنند تا از آسیب‌ها و خشونت‌های غیرانسانی در جنگ‌ها کاسته شود.

ظهور حقوق بین‌الملل بشردوستانه به صورت امروزی را باید از زمان تأسیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ دانست. در سال 1859، سپاهیان فرانسه و اتریش در «سولفرینو»، منطقه‌ای در شمال ایتالیا به نبرد سختی پرداختند که در مدت کوتاهی سی و شش هزار نفر مجروح به جای گذاشت. مجروحان در صحنه نبرد در حال جان باختن بودند و کسی به کمک آنان نمی‌آمد و صحنه رقت‌انگیزی به وجود آمده بود. در این حال، یک بازرگان جوان سوئسی به نام «هانری دونان» 39 اندکی پس از نبرد، به منطقه جنگ وارد شد و خسارات و تلفات جنگ را مشاهده کرد. این صحنه‌ها او را کاملاً تحت تأثیر قرار داد. وی به کمک افراد محلی، یک حرکت امدادی اولیه را برای نجات مجروحان در میدان جنگ سامان داد و به کمک آنان شتافت.

هانری دونان در بازگشت به کشور خود با الهام از مشاهداتش در نبرد سولفرینو، کتاب «خاطرات سولفرینو» 40 را منتشر نمود. او در این کتاب، پس از شرح تالماط و سختی‌های صحنه جنگ، برای کاهش تلفات و آلام قربانیان، دو پیشنهاد ارائه کرد: اول: تأسیس یک جمعیت امدادی داوطلب در هر کشور که در زمان صلح آموزش دیده باشند تا در زمان جنگ، خدمات درمانی و امدادی ارائه کنند؛

دوم: دولت‌های جهان، در یک کنفرانس اجتماع نموده و یک اصل بین‌المللی تخلف‌ناپذیر را که از طریق یک قرارداد، ضمانت اجرایی می‌یابد، تصویب نمایند تا مبانی حقوقی حمایت از بیمارستان‌های نظامی و کارکنان پزشکی و امدادی را ایجاد نمایند.

پیشنهاد اول هانری دونان منتهی به تأسیس صلیب سرخ و هلال احمر جهانی در 17 فوریه 1863 شد؛ و پیشنهاد دوم، به تصویب اولین کنوانسیون ژنو در اوت 1864 با هدف بهبود شرایط مجروحان نظامی در جنگ توسط نمایندگان 16 کشور منجر گردید. 41

تصویب این کنوانسیون اولین گام مهم و حقوقی برای به رسمیت شناختن جایگاه و حمایت از کارکنان پزشکی در مخصصات مسلحانه بود. از آن زمان به بعد، کنوانسیون‌ها و معاهدات متعدد دیگری برای تسهیل فعالیت کادر پزشکی و امدادی و حمایت حقوقی و قانونی از آنان در مخصصات مسلحانه به تصویب رسیده است. 42 بر اساس این اسناد، طرفین منازعات و درگیری‌ها موظفند با افرادی که در مخصصات مسلحانه مجروح یا بیمار شده‌اند، اولاً رفتاری انسانی داشته باشند؛ و ثانیاً آن‌ها را جمع‌آوری کرده، به بیمارستان‌ها و مراکز درمانی اعزام نمایند؛ و در صورتی که افرادی این وظیفه را بر عهده گیرند، از آنان کاملاً حمایت کنند. اهمیت حمایت از کارکنان پزشکی و نقشی که این گروه‌ها می‌توانند در تحقق اهداف انسانی در مخصصات مسلحانه داشته باشند، با تصویب پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، وارد مرحله جدیدی شد. بر اساس این پروتکل، دامنه شمول حمایت از کارکنان پزشکی غیرنظامی به کارکنان پزشکی نظامی گسترش یافت؛ به گونه‌ای که در حمایت از کارکنان پزشکی، تمایزی بین کارکنان پزشکی نظامی یا غیرنظامی نمی‌توان قائل شد. 43

نکته مهمی لازم به ذکر است و آن این‌که، حمایت از کارکنان پزشکی، یک امتیاز شخصی برای آنان نیست، بلکه یک حمایت فرعی و تبعی است. بدین معنا که حمایت از این گروه به منظور تضمین برخورداری مجروحان و بیماران جنگی از مراقبت‌های پزشکی است. 44 نتیجه این‌که، برای تحقق هدف انسانی حقوق بشردوستانه، مبنی بر رسیدگی به بیماران و مجروحان جنگی، لازم است کارکنان پزشکی که این وظیفه را بر عهده دارند، از حمایت و مصونیت در مخصصات مسلحانه برخوردار باشند. اقدامات صورت گرفته در حقوق بین‌الملل بشردوستانه برای حمایت از اشخاص در مخصصات مسلحانه، تماماً طی یکی دو قرن اخیر صورت پذیرفته است؛ اما دانشمندان و فقهای مسلمان، قرن‌ها پیش، مباحث حقوق بشردوستانه را متأثر از آموزه‌های دین و سنت و سیره پیشوایان دینی، در کتاب‌های خود آورده‌اند. 45 برای نمونه، آنچه امروز تحت عنوان اصل تفکیک و تمایز به عنوان یکی از قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه مطرح است، به زیبایی در آموزه‌های اسلامی و کلمات فقهای مسلمان، آمده است که در مباحث بعدی به آن خواهیم پرداخت.

گفتار دوم: اصول و قواعد فقهی و حقوقی حمایت از کارکنان پزشکی
اصول و قواعد متعدد فقهی و حقوقی همچون «نفی اعتدا»، «عدالت»، «مصلحت»، «عدم تعاون بر اثم»، «و تفکیک» و «وفای به عهد»، می‌توانند مبنای فقهی و حقوقی حمایت از کارکنان پزشکی در مخصصات مسلحانه قرار گیرند. در این گفتار، با توجه به مجال محدود این مقاله، تنها به دو مورد از اصول و قواعدی می‌پردازیم که در حقوق بشردوستانه بین‌المللی و فقه امامیه، می‌توان به آن‌ها استناد کرد.

بند اول: اصل تفکیک

یکی از اصول مهم و بنیادین در حقوق بین‌الملل بشردوستانه و فقه امامیه، اصل تفکیک است. بر مبنای این اصل، باید بین اهداف نظامی و اهداف غیرنظامی در مخصصات مسلحانه، تفکیک قائل شد. از این رو، اشخاص، اماکن و اموال غیرنظامی نباید هدف قرار گیرند. اشخاص غیرنظامی، مصادیق گوناگونی دارند که هدف قرار دادن هر کدام از آنان در مخصصات مسلحانه بر طبق این اصل، ممنوع است؛ از این رو لازم است بین رزمندگان و غیررزمندگان، تفکیک و تمایز صورت پذیرد. 46 و هیچ‌گونه تهدید و حمله‌ای نباید علیه غیرنظامیان و غیررزمندگان صورت گیرد. 47

موضوع ایجاد تفکیک بین افراد غیرنظامی و رزمندگان، نخستین بار در «اعلامیه سن پترزبورگ» مطرح و وضع شد. در حال حاضر، این اصل در مواد 48 و بند 2 ماده 51 و بند 2 ماده 52 از پروتکل الحاقی اول آمده است. ماده 51 پروتکل الحاقی اول، هرگونه اقدام یا تهدید به خشونت را که هدف اولیه آن گسترش ترس در میان جمعیت غیرنظامی باشد، ممنوع کرده است. بر این اساس، ماده 28 اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، حمله عمدی به جمعیت غیرنظامی یا افراد غیرنظامی‌ای را که نقش مستقیمی در درگیری‌ها ندارند، جزو جنایات جنگی به شمار آورده است. 48

یکی از گروه‌هایی که بر اساس این اصل، در اسناد بین‌المللی حقوق بشردوستانه، از رزمندگان تفکیک شده‌اند و نمی‌توان آنان را در مخصصات مسلحانه، هدف قرار داد، کارکنان پزشکی هستند که اصولاً از رزمندگان مستثنا شده‌اند. در حقوق بشردوستانه اسلامی نیز اصل تفکیک از جایگاه مهم و اساسی برخوردار است. بر اساس آموزه‌های اسلامی، رزمنده مسلمان باید اهداف نظامی را از غیرنظامی و رزمندگان را از غیررزمندگان تمییز داده، فقط نظامیان و رزمندگان دشمن را هدف قرار دهد؛ بر همین اساس، به کارگیری روش‌ها یا سلاح‌هایی که منجر به از بین بردن یا صدمه به غیرنظامیان و غیررزمندگان می‌شود، ممنوع گردیده است. در این‌جا به برخی از مستندات این اصل در آموزه‌های اسلامی اشاره می‌کنیم.

1. کتاب

قرآن کریم در آیه 190 سوره بقره می‌فرماید:

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ.

49 از این آیه استفاده می‌شود که جنگ و قتال، مختص مقاتلین است و بنا بر تعریفی که از مقاتل بیان شد، افرادی که اصولاً نظامی و رزمنده نبوده، یا قادر بر جنگ نیستند، مقاتل محسوب نمی‌شوند و در نتیجه نباید هدف جنگ و قتال قرار گیرند؛ بنابراین به قرینه «الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ»، قتال با کسانی که سر جنگ با مسلمانان ندارند، اعتدا و تجاوز از حدود الهی است. صاحب تفسیر نمونه به این مسأله اشاره و تأکید می‌کند که جمله «الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ» صراحت دارد که این دستور، مخصوص مقابله با کسانی است که دست به اسلحه می‌برند و تا دشمن به مقاتله و مبارزه برنخیزد، مسلمانان نباید حمله کنند و این اصل، همه‌جا محترم شمرده شده است. 50

بنابراین، افراد و گروه‌هایی، همچون کارکنان پزشکی، به این دلیل که در مخصصات و درگیری‌های مسلحانه، شرکت مستقیم ندارند و صرفاً هدفی انسان دوستانه را دنبال می‌کنند، غیرمباشراً و غیرمعاون در جنگ محسوب می‌شوند و قتال با آنان ممنوع است. به عبارت دیگر، بر اساس آیه فوق و مطابق مفهوم اسلامی حقوق بشردوستانه، این یک تکلیف است که بین دو دسته افراد، یعنی افراد

نظامی و غیرنظامی در منازعات مسلحانه با هر ماهیت و شکلی، تفکیک شود. خصومت فقط بین نیروهای مسلح مجاز است. این یک قاعده بنیادین و لازم‌الاجرا در نظام حقوقی اسلام است. خداوند می‌گوید: «با کسانی بجنگید که با شما می‌جنگند»؛ به اصطلاح امروزی، این آیه بدین معنی است که عمل جنگی، فقط به وسیله نیروهای مسلح مجاز است. 51

2. سنت

در سنت و سیره معصومین(ع) هم اصل تفکیک اهداف نظامی از غیرنظامی دیده می‌شود. شیخ الطائفه طوسی در تہذیب، روایتی را بدین مضمون از امام صادق(ع) نقل می‌کند:

ان النبی صلی الله علیه و آله، اذا اراد ان یبعث امیراً علی سریة، امره بتقوی الله عزوجل... ثم یقول: لاتغدروا و لاتغلو و لاتمثلوا و لاتقتلوا ولیداً و لامیتلاً فی شہاق و لاتحرقوا النخل و لاتغرقوه بالماء و لاتقطعوا شجرة مثمرة و لاتحرقوا زرعاً. 52

هرچند در این روایت نامی از هدف نظامی و غیرنظامی به میان نیامده است، از این روایت استفاده می‌شود که مصادیق بیان شده در دستور رسول اکرم(ص) (به فرمانده سپاه خود، اهداف غیرنظامی هستند؛ از این رو او را به رعایت اصل تفکیک اهداف نظامی از غیرنظامی در جنگ امر می‌کند.

روایتی را برخی محدثان از امام صادق(ع) نقل می‌کنند که ایشان فرمودند: امیر المؤمنین(ع) (از رسول خدا(ص) نقل کردند که:

نہی رسول الله صلی الله علیه و آله ان یلقى السم فی بلاد المشرکین. 53

به نظر می‌رسد همان گونه که از کلام برخی فقها 54 استفاده می‌شود، نهی صادره به این دلیل است که ممکن است غیرمقاتلان را هدف قرار دهد که این خلاف اصل تفکیک است.

کودکان نیز یکی از گروه‌هایی هستند که چون مقاتل نیستند، با لحاظ اصل تفکیک بین مقاتلان و غیرمقاتلان، مورد حمایت خاص قرار می‌گیرند. در یکی از جنگ‌ها، پیامبر اسلام(ص) مشاهده کردند که رزمندگان مسلمان، پس از پیروزی و غلبه بر دشمن و نابودی آنان، به کشتن کودکان آنان دست دراز کرده‌اند. فریاد پیامبر(ص) بلند شد که: «الا لاقتل الذریه، الا لاقتل الذریه»؛ تا سه بار پیامبر این جمله را تکرار کردند. 55

عبارت دیگری نیز از رسول رحمت(ص) در توبیخ و مذمت کسانی که به قتل کودکان دست یازیده‌اند، ذکر شده که ایشان فرمودند: «چه شده است عده‌ای را که دست به کشتن کودکان می‌زنند. 56»

بر همین اساس، برخی از فقهای امامیه نیز این مسأله را در نظرات فقهی خود مد نظر قرار داده‌اند. مرحوم علامه فضل الله در «کتاب الجهاد» خود، فصلی را تحت عنوان «فی احکام غیر المقاتلة» باز کرده، مباحث مهمی را درباره این اصل بیان می‌کند و پس از آن که ملاک و معیار عدم جواز قتل غیرمقاتلان را بیان می‌کند، اظهار می‌دارد که در جنگ باید میان افراد دشمن، تفاوت قائل شد و جنگجویان آنان را از غیر جنگجویان تشخیص داد. 57

فقیه نامدار امامیه، صاحب جواهر، در کتاب ارزشمند خود پس از بیان مصادیقی از غیرنظامیان و غیررزمندگان همچون زنان و کودکان و مجانین، هدف قرار دادن و کشتن آنان در جنگ را جایز نمی‌داند و اظهار می‌دارد: «کسی از فقها را سراغ ندارم که با این مسأله مخالفت کرده باشد. 58» ایشان سپس می‌فرماید: «بلکه علامه در «منتہی»، در مورد زنان و کودکان، بر آن ادعای اجماع کرده است.» 59

مرحوم صاحب جواهر همچنین درباره عدم جواز کشتن پیرمردی هم که دخالتی در مقاتله نداشته باشد، نفی خلاف کرده، بلکه از ظاهر عبارت «تذکره» و «منتہی» ادعای اجماع کرده است. 60

3. اجماع

همان گونه که در نقل فتاوی برخی فقها بیان شد، می‌توان گفت که فقهای امامیه بر این اصل، اجماع دارند؛ آن را پذیرفته و بر اساس آن حکم کرده‌اند. بر همین اساس، برخی معتقدند: «فقهای اسلامی متفقاً تفکیک قائل شدن بین نظامیان و غیرنظامیان را قبول دارند. 61»

4. عقل

یکی از اصول انسانی در جنگ‌ها این است که از کشته شدن و آسیب دیدن شهروندان و افراد بی‌گناه جلوگیری شود. این موضوع آرمان همه انسان‌ها و در رأس آنان انبیای الهی است. بنابراین، به نظر می‌رسد عقل انسان به تفکیک رزمندگان از غیررزمندگان در جنگ‌ها و مخاصمات مسلحانه، حکم می‌کند و عقلاً کسی بر کشتن شهروندان و افرادی که مشارکتی در جنگ ندارند، حکم نمی‌کند؛ و اگر کسی به قتال با کسی برخیزد که در مقام قتال نیست و قصدی بر جنگ ندارد، عقلاً او را مذمت و سرزنش می‌کنند.

بند دوم: قاعده نفی اعتدا

یکی از قواعد مهم حقوق بشر دوستانه اسلامی در حوزه حمایت از غیرنظامیان، به ویژه کارکنان پزشکی که از منظر فقه امامیه می‌تواند مورد استناد قرار گیرد، قاعده «نفی اعتدا» می‌باشد.

قرآن کریم در آیه 190 سوره بقره می‌فرماید:

وَ قَاتِلُوا فِی سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِینَ یُقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا یُحِبُّ الْمُعْتَدِینَ؛

و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید و از حد، تجاوز نکنید؛ به درستی که خداوند تجاوزکاران را دوست ندارد. به اعتقاد برخی از مفسران، این آیه، اولین آیه‌ای است که درباره جنگ با دشمنان در مدینه نازل شد و پس از نزول این آیه، پیامبر

اکرم(ص) با آنان که از در پیکار درآمدند، پیکار کرد؛ و نسبت به آنان که پیکار نداشتند، خودداری کردند.

62 این آیه به قتال با مقاتلان و نهی از تجاوز و اعتدا به غیر آنان، امر می‌نماید. از عبارت «وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا یُحِبُّ الْمُعْتَدِینَ» استفاده می‌شود که تجاوز از مقررات و احکام جهاد، ممنوع است و جنگ با کسانی که سر ستیز با مسلمانان ندارند، از مصادیق اعتدا و تجاوزگری است؛ و این، یک قاعده کلی است که قرآن کریم به آن اشاره دارد.

مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر «المیزان» ذیل این آیه می‌فرماید:

اعتدا به معنای بیرون شدن از حد است و وقتی گفته می‌شود: «فلان عدا و اعتدی»، معنایش این است که فلانی از حد خود تجاوز کرده

است. نهي از اعتدا در اين آيه، نهيي مطلق است؛ و در نتيجه، مراد از آن، هر عملي است كه عنوان تجاوز بر آن صادق باشد؛ مانند قتل قبل از دعوت به حق و نيز قتل ابتدائي و قتل زنان و كودكان و قتل قبل از اعلان جنگ با دشمن و امثال اين‌ها كه سنت نبوي آن را بيان کرده است.

63 يكي از مصاديق اعتدا، قتل زنان و كودكان - به عنوان كساني كه اهليت قتل ندارند - مي‌باشد؛ دليلي هم بر انحصار عدم جواز قتل به زنان و كودكان نيست؛ بلكه نهي از اعتدا، مطلق است و قتل با هر كس كه غيرمقاتل باشد، طبق آيه، از مصاديق اعتدا مي‌باشد كه مورد نهي خداوند قرار گرفته است.

در تفسير شريف لاهيجي، همين مسأله به صراحت آمده است. اين مفسر اماميه، در تفسير «و لا تَعْتَدُوا» مي‌فرمايد: و از حد مگذريد و از آن جماعت كه اهليت قتل ندارند، ابتدا به قتل نكنيد.

64 مرحوم ملامحسن فيض كاشاني نيز معتقد است يكي از مصاديق اعتدا، قتل كساني است كه از كشتن آنان نهي شده است؛ مانند زنان، كودكان، پيران و معاهدان.»

65 آيت الله جوادى آملی در بيان تفسير «لا تَعْتَدُوا» مي‌فرمايد:

عدم ذكر متعلق نهي (لا تَعْتَدُوا) نشان مي‌دهد كه از هرگونه تجاوز حق و حكم، نهي شده است؛ خواه در باره اشخاص باشد يا نحوه قتل دشمن يا قوانين جنگ.

66 ايشان سپس مصاديق اعتدا را توسعه داده، در بيان مصاديق آن، اعتدا به قوانين و مقررات جنگي را مثال مي‌آورند و از ممنوعيت جنگ با كساني كه سلاح بر زمين مي‌گذارند يا مجروحان و ناتوانان از نبرد، سخن مي‌گويند.

67 برخي ديگر از مفسران اماميه نيز از اين آيه، نفی اعتدا بر غيرمقاتلان را برداشت کرده‌اند. 68 همچنين، برخي از مفسران اهل سنت هم مصداق اعتدا را تجاوز به غيرمحرابان - مانند زنان و كودكان و پيرمردها و عبادت‌كنندگان - و نيز تجاوز از آداب جنگ در اسلام دانسته‌اند.

69 بنا بر اين، از اين آيه يك قاعده كلي استفاده مي‌شود كه هرگز غيرنظاميان نبايد مورد تهاجم واقع شوند؛ زيرا آن‌ها به مقاتله برنخاسته‌اند و مصونيت دارند. افرادی كه سلاح بر زمين بگذارند و كساني كه توانايي جنگيدن را از دست داده‌اند يا اصولاً قدرت بر جنگ ندارند، همچون مجروحان، پيرمردان، زنان و كودكان نبايد مورد تعدی قرار گیرند

70. نتيجه اين‌كه، كاركنان پزشکی كه در عمليات نظامی و به‌کارگیری سلاح مشارکت ندارند، نبايد مورد تجاوز و تعدی قرار گیرند.

نتیجه گیری

از آنچه در اين مقاله بيان شد، اين نتيجه به دست مي‌آيد كه يكي از قواعد اساسی و بنيادين در حقوق بشردوستانه، تفكيك و تميز بين رزمندگان و غيررزمندگان است. بر اين اساس، در مخاصمات مسلحانه، جنگ و درگيري صرفاً بين نظاميان و رزمندگان مجاز است و غيرنظاميان و غيررزمندگان نبايد هدف اين گونه مناقشات باشند. غيرنظاميان و غيررزمندگان كه از حمايت نظام بين‌الملل حقوق بشردوستانه و آموزه‌های اسلامی، به ویژه فقه اماميه، برخوردار هستند به افراد خاصی منحصر نيستند؛ بلكه هر كس، رزمنده و مقاتل نباشد و عنوان غيررزمنده و غيرمقاتل بر او صادق باشد، از اين حمايت خاص برخوردار است؛ خواه زنان و كودكان باشند، خواه پيران و از كارافتادگان، و خواه روزنامه‌نگاران و خبرنگاران. طبق اين معيار، كاركنان پزشکی نيز به عنوان يكي از گروه‌هایی كه با هدفی انسان‌دوستانه و كمك به مجروحان و بيماران در مخاصمات مسلحانه و ميادين جنگ، حاضر می‌شوند، از اين حمايت برخوردارند. آيات و روايات، قواعد فقهی و حقوقی، فتاوی فقها و اسناد متعدد بين‌المللی بر اين امر دلالت دارند.

البته اين حمايت تا وقتی است كه آنان صرفاً به وظائف پزشکی خود مشغول باشند و از ورود به مخاصمات مسلحانه و عمليات جنگي خودداري كنند. از سوي ديگر، از ديده‌گاه برخی فقهای اماميه، فعاليت و خدمات آن دسته از كاركنان پزشکی كه به تقويت جبهه و بنيه نظامی دشمن منجر شود، مورد حمايت نخواهد بود؛ اما كاركنان پزشکی ای كه خدماتشان تقويت نظامی دشمن را در پی نداشته باشد، غيرمقاتل محسوب شده، هدف جنگی نخواهند بود.

بنا بر اين رعايت مصونيت و احترام كاركنان پزشکی در مخاصمات مسلحانه و منع هرگونه تهديد، خشونت و حمله به آنان، يك قاعده آمره بين‌المللی و يك حكم و تكليف دينی است و متخصصان، موظف به رعايت آن هستند و هرگونه تخطی عمدي از آن، علاوه بر اين‌كه جنايت جنگی محسوب می‌شود و تجاوز و خروج از حدود الاهی است، مبعوض خداوند نيز خواهد بود و چنين افرادی از رحمت خداوند، دور خواهند بود.

منابع

كريم
البلاغه

قرآن

نهج

1. ابن منظور، محمدبن مكرم: لسان العرب، دار احياء التراث العربی، بيروت، 1407.
2. ابوغدة، حسن: قضايا فقهية في العلاقات الدولية حال الحرب، مكتبة العبيكان، رياض، 1420.
3. الاحمدی الميائنی، علی: الاسير في الاسلام، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، 1411.
4. انيس، ابراهيم، و آخرون: المعجم الوسيط، المكتبة الإسلامية، استانبول، بی تا.

فهرست

7. ایپسن، نات: «رزمندگان و غیررزمندگان»، ترجمه کتابون حسین نژاد، در «حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه»، ویراسته دیتر فلک، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، تهران، 1387.
8. الترحینی العاملی، السيد محمدحسن: الزبدة الفقہیة فی شرح الروضة البهیة، دارالهادی، بیروت، 1315.
9. الجبعی العاملی، زین‌الدین)الشهید الثانی): الروضة البهیة فی شرح اللعة دمشقیة، دارالعالم الاسلامی، بیروت، بی تا.
10. جوادى آملى، عبدالله: تسنیم، مرکز نشر اسراء، قم، 1385.
11. الجوهری، اسماعیل بن حماد: الصحاح، دارالعلم للملایین، بیروت، 1407.
12. الحر العاملی، محمد بن الحسن: وسائل الشیعه، المكتبة الاسلامیة، تهران، 1401.
13. حسینی جرجانی، سید امیر ابوالفتوح: آیات الاحکام، انتشارات نوید، تهران، 1377.
14. الحلی، حسن بن یوسف المطهر)العلامة الحلی): تذكرة الفقهاء، مؤسسة آل‌النبیة لاهیاء التراث، قم، 1419.
15. حمیدالله، محمد: سلوک بین‌المللی دولت اسلامی، ترجمه سید مصطفی محقق داماد، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، 1380.
16. الخزاعی النیشابوری، حسین بن علی بن محمد بن احمد)ابوالفتوح الرازی): روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، 1370.
17. دونان، هانری؛ خاطره، سولفونیو: روایت غربت کرامت بشری در درگیری‌های مسلحانه، ترجمه نادر ساعد و منیژه صمدی، انتشارات خرسندی، تهران، 1388.
18. رابوس، والتر: «حمایت از مجروحان، بیماران و کشتی‌شکسته‌ها»، ترجمه نادر ساعد، در «حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه»، ویراسته دیتر فلک، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، تهران، 1387.
19. راجرز، آنتونی؛ مالرب، پل: قواعد کاربردی حقوق مخاصمات مسلحانه، ترجمه کمیته ملی حقوق بشردوستانه، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، 1383.
20. الراغب الاصفهانی، حسین بن محمد: مفردات الفاظ القرآن، دارالفکر، بیروت، 1429.
21. الزحیلی، وهبة: آثار الحرب فی الفقه الاسلامی، دارالفکر، بیروت، 1412.
22. السبزواری، السيد عبدالاعلی: مذهب الاحکام، مؤسسة المنار، قم، 1413.
23. السیوری، جمال‌الدین مقداد بن عبدالله)فاضل مقداد): کنز‌العرفان فی فقه القرآن، انتشارات مرتضوی، تهران، 1373.
24. شریف لاهیجی، محمد بن علی: تفسیر شریف لاهیجی، دفتر نشر داد، تهران، 1373.
25. الطباطبایی، السيد محمدحسین: المیزان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت، 1422.
26. الطبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن: تفسیر جوامع الجامع، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، 1413.
27. -: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت، 1406.
28. الطریحی، فخرالدین: مجمع البحرین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، قم، 1408.
29. الطنطاوی، السیدمحمد: التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، بی نا، بی تا.
30. الطوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن: التبیان فی تفسیر القرآن، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، 1409.
31. -: تهذیب الاحکام، دارالاضواء، بیروت، 1413.
32. فضل الله، السيد محمدحسین: تفسیر من وحی القرآن، دارالملاک، بیروت، 1419.
33. -: کتاب الجهاد، دارالملاک، بیروت، 1419.
34. فیض کاشانی، ملامحسن: تفسیر الصافی، انتشارات الصدر، تهران، 1415.
35. القرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد بن الانصاری: الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1413.
36. قطب، سیدمحمد: فی ظلال القرآن، دارالشروق، بیروت، 1419.
37. کاشف الغطاء، جعفر: کشف الغطاء عن مبهمات شریعة الغراء، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، 1422.
38. الکلبینی، محمد بن یعقوب: الکافی، دارالاضواء، بیروت، 1413.
39. کمیته ملی حقوق بشردوستانه: حقوق بین‌الملل بشردوستانه ناظر بر حمایت از افراد در درگیری‌های مسلحانه، مؤسسه آموزش عالی علمی - کاربردی هلال ایران، تهران، 1390.
40. گاسه، هانس پیتر: «حمایت از جمعیت غیرنظامی»، ترجمه هاجر سیاه رستمی، در «حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه»، ویراسته دیتر فلک، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، تهران، 1387.
41. لطفی، عبدالرضا؛ و دیگران: اشخاص مورد حمایت در مخاصمات مسلحانه، نشر هستی‌نما، تهران، 1388.
42. محقق داماد، سید مصطفی: حقوق بشردوستانه بین‌المللی، رهیافت اسلامی؛ مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، 1383.
43. مرتضی العاملی، السيد جعفر: الصحیح من سیرة النبی الاعظم، مرکز الاسلامی للدراسات، بیروت، 1428.

44. المشهدى القمى، محمد بن محمدرضا: كنز الدقائق و بحر الغرائب، وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامى، تهران، 1367.
45. معلوف، لويس: المنجد فى اللغة، مؤسسة انتشارات دارالعلم، قم، بى تا.
46. المقرئ الفيومى، احمد بن محمد بن على: المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير للرافعى، دارالهجرة، قم، 1405.
47. مكارم شيرازى، ناصر؛ و همكاران: تفسير نمونه، دارالكتب الاسلاميه، تهران، 1377.
48. ممتاز، جمشيد؛ و رنجبريان، اميرحسين: حقوق بين الملل بشردوستانه، مخاصمات مسلحانه بين المللى؛ نشر ميزان، تهران، 1384.
49. النجفى، محمدحسن: جواهر الكلام فى شرح شرايع الاسلام، دار احياء التراث العربى، بيروت، بى تا.
50. الواقدى، محمد بن عمر: المغازى، عالم الكتب، بيروت، 1404.

noitnevnoC(I)rofehTnoitaroilemAfoehTnoitidnoCfoehTdednuowdnakcisnidemrAsecroFniehT15.

aveneGdleiF21tsuguA

..259491noitnevnoC(II)rofehTnoitaroilemAfoehTnoitnevnoCfo

kcisednuowdnadekcerwpihssrebmeMfodemrAsecroFta

aveneGaes21tsuguA

..359491noitnevnoC(VI)evitalerotehTnoitcetorPfonailiviCsnosrePniemiTfo

aveneGraW21tsuguA

..194954

-naeJstreakcneHeiraMdna

esiuoLkceB

gramotsuC-dlawsoD lanoitanretnInairatinamuH

egdirbmaCegdirbmaCwaLytisrevinU

..sserP559002locotorP(I)lanoitiddAotehTaveneGsnoitnevnoCfo21tsuguA9491dna

gnitalerotehTsnaitcetorPfosmitciVfolanoitanretnIdemrA

stciltfnoC8enuJ

..657991emoRetutatSfoehTlanoitanretnInanimirCtruoc

. 1998x (CCI)عضو هيأت علمى پژوهشكده فقه و حقوق پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامى.

1. سيدمصطفى محقق داماد: حقوق بشردوستانه بين المللى؛ رهيافت اسلامى، تهران، ص22 و 63.

eeSnoitnevnoC(I)rofehTnoitaroilemAfoehTnoitidnoCfoehTdednuoW dnakciSnidemrAsecroFniehT:2.

aveneGdleiF21tsuguA

trA9491;52locotorP

(I)lanoitiddAotehTaveneGsnoitnevnoCfo21tsuguA9491dnagnitaleRotehTsnaitcetorPfosmitciVfolanoitanr

etnIdemrA

stciltfnoC8enuJ

trA1997

..-398:eeS-naeJeiraMstreakcneHdnaesiuoL-dlawsoD

gramotsuCkceB

lanoitanretnInairatinamuH

waL

emuloV

.P1

..418lanoitiddAlocotorP

trA(I)

..58-naeJeiraMstreakcneHdnaesiuoL-dlawsoD

pOkceB

.PtiC

..628aveneGnoitnevnoC

trA(I);42noitnevnoC(II)rofehTnoitaroilemAfoehT

noitnevnoCfo

kciSdednuoWdnadekcerwpihSsrebmeMfodemrAsecroFta

aveneGaeS21tsuguA

trA9491;03lanoitiddAlocotorP

trA(I)

aveneGnoitnevnoC73222-..

trA(I);62aveneGnoitnevnoC

trA(II)

aveneGnoitnevnoC87363-..

trA(I);63lanoitiddAlocotorP

trA(I)

aveneGnoitnevnoC98..

trA(I)

traP3;2lanoitiddAlocotorP

trA(I)

aveneGnoitnevnoC018..

trA(I)

1251. در این باره نگاه کنید به: والتر رابوس: «حمایت از مجروحان، بیماران و کشتی‌شکسته‌ها»، ترجمه نادر ساعد، ص 411 و

.412

lanoitiddAlocotorP21.

trA(I)

traP341dnatRA

traP44

173. در این باره نگاه کنید: آنتونی پ. و. راجرز و پل مالرب: قواعد کاربردی حقوق مخاصمات مسلحانه، ترجمه کمیته ملی حقوق بشر دوستانه، ص 48 و 49; و نات ایپسن: «رزمندگان و غیررزمندگان»، ترجمه کتابون حسین‌نژاد، ص 107; همچنین بنگرید به:

naeJeiraMstreakcneHdnaesiuoL-dlawsoD-

pOkceB.

PtiC.

dibl.4151..

... P1195 برای مفهوم «شرکت مستقیم در درگیری‌ها» تعریف دقیقی وجود ندارد. کمیسیون آمریکایی حقوق بشر بیان کرده که عبارت «شرکت مستقیم در درگیری‌ها»، معمولاً به اعمالی گفته می‌شود که به موجب ماهیت یا هدف عمل، با قصد آسیب رسانیدن به افراد و منابع دشمن ارتکاب می‌یابند. در این باره نگاه کنید به:

naeJeiraMstreakcneHdnaesiuoL-dlawsoD-

pOkceB.

PtiC.

22. البته برخی از نویسندگان، معیارهایی برای «عدم شرکت مستقیم در تخاصم‌ها» بیان کرده‌اند. نک: آنتونی پ. و. راجرز و پل مالرب: پیشین، ص 48.

16. ر. ک: نات ایپسن: پیشین، ص 103 و 104. برای اطلاعات بیشتر در این باره نگاه کنید به: آنتونی پ. و. راجرز و پل مالرب: پیشین، ص 48.

17. بند 1 ماده 50 پروتکل الحاقی اول، اشعار می‌دارد که: «یک غیرنظامی، شخصی است که در زمره هیچ یک از طبقه‌بندی‌های مربوط به اشخاص اشاره شده در بندهای الف (6) (3) (2) (1) از ماده 4 کنوانسیون سوم و ماده 43 پروتکل حاضر نباشد. در صورت

18208. PPTiC11 بند 2 ماده 43 مقرر می‌دارد: «اعضای نیروهای مسلح یک طرف مخاصمه (به جز کارکنان بهداری و کارکنان مذهبی که مشمول ماده 33 کنوانسیون سوم می‌گردند) رزمنده به شمار می‌آیند.»
19. ر. ک: هانس پیترگاسه: «حمایت از جمعیت غیرنظامی»، ترجمه هاجر سیاه رستمی، ص 281.
20. «و قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ.»
21. محمد بن مكرم ابن منظور: لسان العرب، ج 11، ص 34؛ و اسماعیل بن حماد الجوهري: الصحاح، ج 5، ص 1798.
22. حسین بن محمد الراغب الاصفهانی: مفردات الفاظ القرآن، ص 296؛ و محمد بن مكرم ابن منظور: پیشین.
23. احمد بن محمد بن علی المقرئ الفيومی: المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، ج 2، ص 490؛ و لويس معلوف: المنجد فی اللغة، ص 608.
24. محمد بن مكرم ابن منظور: پیشین.
25. فخرالدین الطریحی: مجمع البحرین، ج 3، ص 459؛ اسماعیل بن حماد الجوهري: پیشین.
26. ابراهیم انیس و آخرون: المعجم الوسيط، ج 2، ص 715.
27. نگاه کنید: ابو علی الفضل بن الحسن الطبرسی: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج 21، ص 368؛ السيد محمدحسین الطباطبائی: میزان فی تفسیر القرآن، ج 2، ص 6261؛ السيد محمدحسین فضل الله: تفسیر من وحی القرآن، ج 4، ص 74؛ همچنین نگاه کنید به: ابوجعفر محمدبن الحسن الطوسی: التبیان فی تفسیر القرآن، ج 2، ص 143.
28. ابوالفتح الرازی: روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج 3، ص 71.
29. محمد حمیدالله: سلوک بین المللی دولت اسلامی، ترجمه سیدمصطفی محقق داماد، ص 232.
30. برای نمونه نک: العلامة الحلی: تذکرة الفقهاء، ج 9، ص 6564؛ الشهيد الثاني: الروضة البهیة فی شرح اللمعة دمشقیة، ج 2، ص 405؛ محمدحسن النجفی: جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج 21، ص 75.
31. در این باره می‌توان به عدم نهی پیامبر(ص) از کشتن «درید بن الصمة» در جنگ خیبر اشاره کرد. وی پیرمردی صد و پنجاه ساله و فرتوت بود. کفار برای استفاده از تاکتیک‌های جنگی‌اش، وی را با خود به صحنه نبرد آورده بودند و در جنگ کشته شد. وقتی خبر به پیامبر(ص) رسید، از کشته شدن او نهی نکردند. (محمدحسن النجفی، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج 21، ص 25) البته برخی از صاحب نظران این فرد را صد و شصت ساله معرفی کرده‌اند که در جنگ حنین هم کشته شده است. نک: السيد جعفر مرتضی‌العالمی: الصحیح من سیرة النبی الاعظم، ج 24، صص 322320؛ همچنین نگاه کنید: محمد بن عمر الواقدی، المغازی، ج 3، صص 887886).
32. نگاه کنید به: سیدمصطفی محقق داماد: پیشین، ص 90.
33. «المحاربون، هم کل من نصب نفسه للقتال بطریق مباشر او غیرمباشر.» نگاه کنید به: السيد محمدحسین فضل الله: کتاب الجهاد، ص 264.
34. «فإذا قاتلوا او حضروا بنية القتال كان لهم سهم المقاتل.» السيد محمدحسن الترحینی العاملی، الزبدة الفقهیة فی شرح الروضة البهیة، ج 3، ص 662.
35. «ای غیر المقاتلین ممن حضر الحرب لا للقتال کمن حضرها لصفة خاصة او حزمة و کذا اطفالهم لانصراف الاخبار المتقدمة الى خصوص المقاتلین بمعنی حضر الحرب للقتال و ان لم یقاتل.» همان (همان)
36. «یقسم الفاضل بین المقاتله و من حضر القتال لیقاتل و ان لم یقاتل، حتی الطفل الذکر من اولاد المقاتلین دون غیرهم ممن حضر لصنعة او حرفة كالبيطار، و البقال، و السائس و الحافظ اذا لم یقاتلوا.» الشهيد الثاني: پیشین، ص 405؛ همچنین در این باره نگاه کنید به: محمد حسن النجفی: پیشین، ص 199.
37. شمس الدین السرخسی: شرح السیر الكبير، ج 4، ص 78. به نقل از: محمد حمیدالله: پیشین، ص 232.
38. وهبة الزحیلی: آثار الحرب فی الفقه الاسلامی، ص 497.
93. yrneH
40. . xtnanuD40 خاطرات هانری دونان به فارسی ترجمه شده است. نگاه کنید: هانری دونان: خاطره سولفرینو؛ روایت غربت کرامت بشری در درگیری‌های مسلحانه.
41. در این باره نگاه کنید به: کمیته ملی حقوق بشر دوستانه، حقوق بین الملل بشردوستانه ناظر بر حمایت از افراد در درگیری‌های مسلحانه، ص 28 و 29.

42. برای نمونه می‌توان به کنوانسیون‌های ژنو مصوب 1929 1906، کنوانسیون‌های اول، دوم و چهارم ژنو مصوب 1949 و پروتکل اول الحاقی اشاره کرد.

naeJeiraMstreakcneHdnaesiuoL-dlawsoD-34.

pOkceB.

PPtiC.

808444-..

Pdibl.

4795. در این باره نگاه کنید به: سیدمصطفی محقق داماد: پیشین، صص 6029.

46. ر. ک: جمشید ممتاز و امیرحسین رنجبریان: حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، صص 154.

eeS-naeJeiraMstreakcneHdnaesiuoL-dlawsoD:74.

pOkceB.

PtiC.

eeS:843..

PPdibl.

3449- «و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند، بجنگید و تجاوز مکنید، به درستی که خداوند تجاوزکاران را دوست ندارد.»

50. ناصر مکارم شیرازی و همکاران: تفسیر نمونه، ج 2، صص 20.

51. سیدمصطفی محقق داماد: پیشین، صص 174.

52. ابوجعفر محمدبن‌الحسن الطوسی: تهذیب الاحکام، ج 6، صص 119. برای ملاحظه روایات دیگری در این باره نگاه کنید به: علی

الاحمدی المیانجی، الاسیر فی الاسلام، صص 90 به بعد.

53. محمد بن یعقوب الكلینی: الکافی، ج 5، صص 30; ابوجعفر محمدبن‌الحسن الطوسی: پیشین، صص 123.

54. «النهی عن إلقائه فی البلاد لاستلزامه غالباً قتل الأطفال و النساء و الشيوخ و من فیها من المسلمین و نوحهم ممن یحرم قتلهم، أما

إذا فرض اختصاص قتله بالكفار الذین یجوز قتلهم بأنواع القتل فلا.» محمدحسن النجفی، پیشین، صص 68; «و اما إلقاء السم فی مائهم فإن

علم أنه لا یشربه النساء و الصبیان و المجانین و الشیخ الفانی و اسراء المسلمین الذین یكونون عندهم یجوز ذلك ایضا و إلا فلا یجوز»

السید عبدالاعلی السبزواری، مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام، ج 15، صص 124.

55. نگاه کنید به: السیدجعفر مرتضی‌العاملی: پیشین، صص 321.

56. «ما بال اقوام بلغ بهم القتل حتی بلغ الذریة.» (نقل از همان، صص 326)

57. السیدمحمدحسین فضل الله: پیشین، صص 264.

58. محمدحسن النجفی: پیشین، صص 73.

59. همان.

60. همان، صص 75.

61. نقل از: سیدمصطفی محقق داماد: پیشین، صص 174.

62. ناصر مکارم شیرازی و همکاران، پیشین، صص 17; همچنین نگاه کنید به: ابوعلی الفضل‌بن‌الحسن الطبرسی، پیشین، ج 21،

صص 368.

63. السید محمدحسین الطباطبایی: پیشین، صص 62.

64. محمدبن‌علی‌بن‌شریف لاهیجی، تفسیر شریف لاهیجی، ج 1، صص 177; همچنین نگاه کنید به: سیدامیر ابوالفتوح حسینی جرجانی:

آیات الاحکام، ج 2، صص 7.

65. ملامحسن فیض کاشانی: تفسیر الصافی، ج 1، صص 228; همچنین نگاه کنید به: محمد بن محمدرضا المشهدی القمی: کنز الدقائق و

بحر الغرائب، ج 2، صص 263; و ابوجعفر محمدبن‌الحسن الطوسی: التبیان فی تفسیر القرآن، ج 2، صص 143.

66. عبدالله جوادی آملی: تسنیم، ج 9، صص 577 و 578.

67. همان.

68. برای نمونه نگاه کنید به: فاضل مقداد: کنز العرفان فی فقه القرآن، ج 1، صص 344.

69. سید قطب: فی ظلال القرآن، 1419، ج 1، صص 188.

70. ناصر مکارم شیرازی و همکاران، پیشین، صص 19 و 20.